

کاهش تکرار جرم در نظام کیفری انگلیس

ترجمه: محمدرضا پوراحمدی لاله - دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

کاهش تکرار جرم از طریق بازپروری متخلفین باید محور یک استراتژی جامع برای کاهش جرم در نظر گرفته شود. این امر نیز به یک فرآیند سه‌جانبه نیاز دارد:

- ۱- از نوعی نظارت اجتماعی استفاده شود که در پیش‌گیری از تکرار جرم موفقیت‌آمیزترین نتیجه را داشته است؛
- ۲- تضمین حاصل شود که نظام زندان‌ها، زندانیان را به شکل مؤثر برای آزادی همیشگی آماده می‌کند؛
- ۳- نظامی جامع از امکانات بازپروری در جامعه برای افرادی که سابقاً مجرم بوده‌اند (نادمین)، تأسیس نماید.

۱- نظارت اجتماعی

اکثر بحث‌های سیاسی اخیر در مورد توانایی محکومیت‌های حبس و نظارت اجتماعی برای کاهش تکرار جرم خام بوده و با این تفکر، به وجود آمده که اثبات کند استفاده زیاد از حبس قادر است میزان جرم را کاهش دهد. یک مورد در مارس ۱۹۹۷ با انتشار آمارهای جدید وزارت کشور در پی محکومیت‌های حبس و نظارت اجتماعی رخ داد. این آمارها بیان می‌کردند ۵۳٪ از زندانیانی که در سال ۱۹۹۳ آزاد شدند طی این دو سال مجدداً محکوم شدند؛ در حالی که برای زندانیان محکوم به انجام خدمات اجتماعی این آمار ۵۲٪، برای حبس تعلیقی ۶۰٪، و برای احکام ترکیبی (خدمات اجتماعی و حبس تعلیق) ۶۱٪ بود.

دیوید مک‌کلین (David Maclean) وزیر کشور وقت، این آمارها را به عنوان «گواهی مثبت برای کارایی زندان» توصیف کرد و اضافه نمود: «تکرار جرم در میان زندانیان سرسخت تر زیاد است اما یافتن این مطلب که محکومیت مجدد کم‌تری در میان افراد سرسخت‌تر که به زندان فرستاده می‌شوند وجود دارد، امری دلگرم‌کننده است» (تایمز ۲۴ مارس ۱۹۹۷).

اما بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد توصیف این آمارها به عنوان این‌گونه که «زندان کارایی دارد» سوء برداشت از این آمار است؛ زیرا آمارهای آشکارتر محکومیت مجدد شامل محکومیت‌های مجدد کاذب را نشان می‌دهد؛ از جمله محکومیت پس از شروع یک حکم خدمات اجتماعی یا تعلیقی به دلیل جرایم مرتکب شده قبل از آغاز حکم. بدیهی است که این‌ها نمی‌توانند در اثرات حکم سهم داشته باشند. وقتی محکومیت‌های کاذب حذف شود،

آمارهای دقیق محکومیت های مجدد پس از حکم حبس تعلیقی یا خدمات اجتماعی، به میزان شش تا هفت درصد کاهش می یابد؛ در حالی که نرخ محکومیت مجدد پس از زندان فقط به اندازه ۲ درصد کاهش نشان می دهد.

هم چنین-همان گونه که آقای مکین اظهار داشتند- این مطلب صحیح نیست که متخلفین محبوس لزوماً کسانی هستند که احتمال تکرار جرم در آن ها از بقیه بالاتر است؛ مثلاً زندانیانی که به دلیل یک جرم غیر عمد محبوسند به احتمال کم تری مرتکب تکرار جرم می شوند تا کسانی که به دلیل جرایم جزیی اما مداوم و با ایجاد مشکلات بسیار در تعلیق به سر می برند. هم چنین درصد بالایی از کسانی که به حکم های خدمات اجتماعی محکوم شده اند جوانان بزهکاری هستند که نرخ تکرار محکومیت آن ها طبیعتاً بالاتر از بزرگسالان است. طبق یک رقم برجسته ۷۵ درصد مردان زیر سن ۲۱ سال و ۸۹ درصد کسانی که زیر ۱۷ سال داشتند ظرف ۲ سال پس از ترک محیط کیفری مجدداً محکوم شدند.

به همین ترتیب نوع تکرار جرم بزهکاران جوان که محکوم به انجام خدمات اجتماعی شده اند نیز دو برابر متخلفین زیر ۳۰ سال و بالاتر می باشد.

بعضی مطالعات تحقیقی ملی و محلی هم «محکومیت مجدد کاذب» و هم احتمالات متغیر تکرار جرم توسط گروه های متخلف مجرمین را مورد بررسی قرار داده اند. آن ها یافته اند که تکرار جرم در میان افرادی که سابقاً زندانی بوده اند به طور گسترده ای هماهنگ با نرخ تخمین زده شده ی محکومیت مجدد آن ها بوده؛ در حالی که تعداد مجرمین مجدد که پس از حبس، تعلیق و حکم خدمات اجتماعی به سر می بردند، از نرخ تخمین زده شده کم تر بود.

سومین و مهم ترین دلیل ناظر بر مدعای ما این است که، طبق تحقیقی جامع، آمارهای کلی این حقیقت را بیان می دارد که بعضی از انواع حکم های نظارت اجتماعی می تواند بین ۱۵٪ تا ۵۰٪ بیش از احکام دیگر تکرار جرم را کاهش دهد که شامل تمرکز بر یک سلسله برنامه هایی است که در مقابل برخوردها و رفتارهای مجرمانه ی ضد اجتماعی قرار می گیرد و آن ها را تغییر می دهد و به مجرمین آموزش می دهد تا رفتار خشونت آمیز و آنی را مهار کنند، هم چنین مجرمین را با اثرات جرمشان بر قربانی مواجه می کند و با الکل و مواد مخدر دست و پنجه نرم می کند و آموزش مهارت ها و کاربایی ها را فراهم می آورد.

برنامه های مؤثری برای گروه های مختلف مجرم شکل گرفته که شامل محکومین به دلیل جرایم خشونت آمیز، دزدی، جرایم وسایط نقلیه، جرایم جنسی، رانندگی پس از مصرف الکل و ایجاد حریق می باشد.

تحقیق بیان می دارد که اگر این برنامه ها در جامعه صورت گیرد نتایج بهتری را به ثمر می رساند تا در حبس، البته اگر در زندان به کار گرفته شود نیز موجب کاهش تکرار جرم پس از آزادی می شود. خصوصیات که در رابطه با برنامه ها مؤثر می باشد، باید این موارد را مدنظر قرار دهد:

- برنامه مستقیماً بر رفتار مجرمانه بیش از انجام مشاوره ی پراکنده و کلی یا مطالعه اجتماع و محیط فرد برای تشخیص ناراحتی و درمان تأکید ورزد؛

- آن دسته از روش های رفتاری - شناختی را شامل شود که از روندی به ویژه مؤثر به وجود آمده؛

این روش های به متخلفین یاد می دهد که با توجه به نتایج اعمالشان فکر کنند و از نتایج اقداماتشان بر دیگران آگاه شوند.

- چند کیفیتی باشد (به این معنی که مشکلات متعددی از مددجویان را بشناسد) و شامل یک سلسله از مهارت های آموزشی مانند راه های حل مشکل، مهارت های اجتماعی، استدلال اخلاقی و آموزش کنترل فردی شود.

بعضی یافته های تحقیقاتی که اخیراً منتشر شده، به شرح زیر است:

مطالعه ای گسترده که در خدمات اصلاحی کانادا انجام شده به بررسی ۴۰۷۲ نفر از مددجویان پرداخت که بین سال های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۴، یا مهارت های شناختی را به پایان رسانده بودند یا به عنوان افراد واجد شرایط مطلوب ارزیابی شده بودند اما به طور درهم و تصادفی در یک فهرست انتظار که چنین مهارت هایی را آموزش ندیده بودند، قرار گرفتند. این نشان داد افرادی که برنامه های مهارت های شناختی را در زندان گذرانده اند ۲۰ درصد کم تر از گروه کنترل دچار محکومیت مجدد شدند؛ در حالی که کسانی که مهارت های شناختی بر اساس برنامه های اجتماعی (خارج از زندان) را گذرانده بودند ۶۶ درصد کم تر از گروه کنترل دچار محکومیت مجدد شدند (۱۹۹۶).

- تحقیقی که طی دوره ای شش ساله توسط کالین رابرتز (colin Roberts) از دانشگاه آکسفورد در برنامه ای با همکاری مرکز خدمات تعلیمی هرфорд^(۱) و ورستر Worcester در مورد بزهکاران جوان انجام پذیرفت، دریافت که گروه پروژه طی دو سال ۱۶ درصد کم تر از گروه مشابه دیگر که به حبس در دارالتأدیب محکوم بودند، دچار محکومیت مجدد شدند. این برنامه شامل روش های چند کیفیتی است و از نوعی کار رفتاری شناختی برخوردار

است که به کاهش قابل توجه در مورد نرخ تکرار محکومیت در دیگر مطالعات مربوط می شود. این برنامه ی ویژه، نتایج خوبی در سارقان سابقه دار منازل داشت.

- تلفیقی از نتایج تعدادی از مطالعات تحقیقی نشان داده است که برنامه های متمرکز بر ایجاد کار برای مددجویان که توسط خدمات قانونی صورت گرفته و شرکت کنندگان را قادر به اکتساب شغل های واقعی کرده است، موجب کاهش جرم به اندازه ۳۵ درصد می شود.

- یک مطالعه تحقیقاتی که توسط خدمات تعلیمی لندن صورت گرفته نرخ مجرمین سابقه دار و نادمین را که در پروژه وسایط نقلیه ایلدرتون^(۲) شرکت داشتند، با گروه مشابهی از مجرمین مقایسه نمود و چنین یافت که نرخ محکومیت مجدد شرکت کنندگان در پروژه ایلدرتون پس از سه سال ۳۸ درصد کم تر از گروه مورد مقایسه است. (۱۹۹۲).

طی برنامه Stop (تفکر مستقیم بر حبس تعلیق) توسط خدمات نیمه تعلیمی گلامورگان، دوره ای آموزشی تحت عنوان استدلال و بازپروری برگزار شد که طرح اولیه آن را رابرت راس^(۳) و همکارانش در آنتاریو دادند که به تدریس مهارت های شناختی، اجتماعی و کنترل فردی، مذاکره، تفکر، اخلاق و استدلال دقیق پرداخت. پی گیری نه ماهه در آنتاریو نشان داد که ۱۸ درصد شرکت کنندگان در این برنامه در مقایسه با ۶۹ درصد کسانی که در حین نظارت تعلیمی عادی بودند مرتکب تکرار جرم شدند. ارزیابی برنامه نیمه تعلیمی گلامورگان نشان داد که پس از ۱۲ ماه نرخ محکومیت مجدد کسانی که برنامه Stop را گذرانده اند ۱۶ درصد کم تر از آن چه انتظار می رفت، بود؛ در حالی که تکرار محکومیت کسانی که از آن ناحیه به زندان و مراکز کیفری جوانان فرستاده شده بودند در طول مدت زمان تقریباً ۱۳ درصد تا ۱۵ درصد بیش از حد انتظار بود (۱۹۹۴). مطالعه ای که توسط وزارت کشور اسکاتلند و دفتر برنامه های بازآموزی و اجرای فرامین دادگاه در مورد محکومین به دلیل ارتکاب جرایم داخلی (در محیط کار یا زندان) انجام شده بود، نشان داد طی ۱۲ ماه آتی ۳۳ درصد مردان شرکت کننده در برنامه ها مرتکب عملی خشونت آمیز نسبت به همکارانشان شدند؛ در مقایسه با ۷۵ درصد مردانی که دیگر حکم ها را دریافت کرده بودند (۱۹۹۶)

یک مطالعه تحقیقاتی از سوی وزارت کشور انگلیس که از هفت برنامه درمانی طبق اصل اجتماعی برای متخلفین جنسی انجام شده بود، نشان داد که پس از دو سال نرخ محکومیت مجدد به دلیل جرایم جنسی متخلفینی که در

این برنامه ها شرکت کرده بودند حدود نصف متخلفین مشابه بود که تحت حبس تعلیقی بدون چنین برنامه هایی قرار داشتند(۱۹۹۶).

نتایج یک مطالعه ی جدی که در مقیاس وسیع پیرامون درمان مشکلات مربوط به مواد مخدر توسط دپارتمان برنامه های ترک الکل و مواد مخدر به عمل آمد، در سال ۱۹۹۴ منتشر شد. این مطالعه ۱۸۵۰ نفر را که در برنامه درمانی شرکت داشتند تحت بررسی قرارداد. نتایج بررسی نشان داد که سود حاصل از این برنامه در قبال هر دلار مصرف شده به اندازه هفت دلار بود.

پژوهشگران محاسبه کردند قیمت نهایی درمان ۱۵۰۰۰۰ نفر که در برنامه های درمانی مربوط به مواد مخدر در سال ۱۹۹۲ کالیفرنیا شرکت کرده بودند ۲۰۹ میلیون دلار بود؛ در حالی که بهای سودی که در طول درمان در اولین سال به دست آمد حدوداً ارزش معادل ۱/۵ میلیارد دلار صرفه جویی برای شهروندان پرداخت کننده مالیات داشت. بیشترین صرفه جویی به دلیل کاهش جرم بود. سطح فعالیت های جنایی پس از درمان نسبت به قبل از درمان تا میزان ۲/۳ کاهش یافت. مطالعه ارزیابی توسعه ی برنامه درمان ملی سال ۱۹۹۶ ایالات متحده نشان داد که در آن سال پس از درمان حدود، ۵۰٪ کاهش در مصرف مواد مخدر وجود داشته و تعداد دستگیری ها از ۴۸/۲٪ به ۱۷/۲٪ نسبت به سال قبل کاهش نشان داده است.

در این کشور مطالعه ی پی آمدهای ناشی از درمان ملی که سرمایه گذاری آن توسط دپارتمان تندرستی انجام شد، ۱۱۰۰ نفر از افرادی را که در برنامه ترک مواد مخدر بین ماه های مارس و جولای ۱۹۹۵ حضور داشتند مورد بررسی قرار داد. اکثر آن ها معتادین بودند که مدت زیادی هروئین مصرف می کردند و ۶۶۴ نفر از آنان اخیراً در فعالیت های جنایی شرکت کرده بودند. بین آن ها بیش از ۷۰۰۰۰ جرم در سه ماه قبل از درمان صورت گرفته بود. نتایج مقدماتی در سه ماهه اول نشان داد که هم مواد مخدر و هم فعالیت جنایی به شکل قابل ملاحظه ای طی مراحل اولیه درمان کاهش داشتند. در برنامه های اقامتی^(۴) نسبت استفاده از هروئین از ۵۴٪ به صفر در صد، در برنامه های نگهداری متادون^(۵) از ۷۷٪ به ۴۴٪، در برنامه های کاهش متادون^(۶) از ۹۰٪ به ۳۵٪ و در مورد واحدهای بستری بیماران از ۶۹٪ به ۴۳٪ پس از درمان کاهش داشت.

سطوح مشابه پیشرفت برای دیگر مواد مخدر یافت شده و نسبت شرکت جستن در سرقت از مغازه ها (یکی از رایج ترین جرایم قبل از درمان) در برنامه های اقامتی از ۳۴٪ به ۵٪ و در برنامه های نگهداری و حفظ متادون از ۳۶٪ به ۲۱٪ و در درمان به صورت بستری از ۲۶٪ به ۱۱٪ پس از درمان رسید.

طبق نظر آندره آندر داون افسر معاونت در امور تعلیقی منچستر در مقاله اش تحت عنوان تأثیر نظارت اجتماعی اجرا و نیروی بالقوه (کنش و واکنش):

«یافته های خاصی در برنامه های مربوط به احکام نظارت اجتماعی وجود دارد و تجزیه و تحلیل وسیع تحقیقات جهانی به این جهت مشابه اشاره می کند مبنی بر این که برنامه های سازمان یافته نظارتی که به خوبی مورد تمرکز و توجه قرار گرفته اند، قادرند کاهش چشمگیری در ارتکاب جرم ایجاد کنند. برنامه هایی که موجب چنین نتایج بسیار ارزشمندی است فقط شامل حال کسانی است که امروزه تحت حکم نظارت اجتماعی قرار دارند. خدمات تعلیقی بسیار فعالانه در جستجوی برنامه های جدید است و برنامه ها و عملکردهای فعلی خود را با این تحقیقات هماهنگ می کند.»

یک استراتژی معقول برای کاهش تکرار جرم منوط به توسعه ی طرح هایی است که موجب گسترش مؤثرترین انواع نظارت اجتماعی برای تعداد بسیار بیشتر مجرمین است.

ما از طرح ارائه شده توسط افسر معاونت در امور تعلیقی به عنوان یک طرح ملی در مؤثر ساختن برنامه هایی که براساس تحقیق است، حمایت می کنیم. تحقیق بر چیزی که کارآیی دارد و باید قابل دسترس دادگاه ها در تمام نواحی کشور باشد.

ادامه دارد...

پی نوشت ها:

(۱) here ford

(۲) Iderton motor project

(۳) Robert Ross

(۴) Residential

(۵) Mettadon maintence